

The Role of Need in Validity of Verifying Reasons of Criminal Affairs

Amene Rahmani¹, Naser Marivani^{2*},
MohamadAdel Ziaey³

1- PHD student, Shafi'i jurisprudence group, Faculty of Law Theology and Political Sciences, Science and Research Branch Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2-Assistant Professor, Shafi'i jurisprudence group, Faculty of Law Theology and Political Sciences, Science and Research Branch Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3- Associate Professor, Shafi'i jurisprudence group Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran.

Received Date: 2023/06/30

Accepted Date: 2023/10/12

Abstract

Changes in human societies have created various needs that, if not met, would cause distress and constriction. Islamic jurisprudence has therefore paid special attention to meeting the needs of people. Throughout history, this effort is seen in all religious schools, despite differences in their attitudes. However, Sunni jurists have paid more attention to it than Shi'ites, and subsequently, it is more apparent in their fatwas and judicial decrees. One area of focus in meeting needs (*hājāt*) is the substantiation of claims in general and the substantiation of crimes in particular. Using the library and analytical-descriptive method, this research proves that since proof is something that makes the truth obvious, seemingly through accepting indications as proof and the legitimacy of inferring religious laws based on the availability of needs, which has been a common way between early jurists in different jurisprudential matters, the possibility of extending it to criminal cases is valid as well, especially if the most proofs or the only ones are based on people's needs. Therefore, relying on needs for permitting the use of new strategies and methods of proving a crime, such as image, voice, and so forth, not only does not contradict the purposes of Shari'a, but is also compatible with actualization of justice. Obviously, in addition to utilizing traditional evidence, new cases have a complementary role, and if they are not available, they have a substitute role as required; also, they can be cited as legal reasons when there is no doubt in the authenticity of describing them to people.

Keywords: proof of crime, criminal affairs, evidence, need, necessity, context.

Email: a.rahmani_351@yahoo.com

نقش حاجت در اعتبار ادله‌ی اثبات در امور کیفری

آمنه رحمانی^۱، ناصر مریوانی^{۲*}، محمد عادل ضیائی^۳

۱- دانشجوی دکترا، گروه فقه شافعی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- استادیار، گروه فقه شافعی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳- دانشیار، گروه فقه شافعی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۴/۰۹

پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰

چکیده

تحوالات جوامع بشری موجب ایجاد حاجت‌های مختلفی شده که برآورده نکردن آنها متضمن عسر و حرج بوده؛ لذا فقه اسلامی در تشریح احکام، توجه ویژه‌ای به رفع نیازها و حاجات مردم نموده است. این اهتمام از طرف همه مذاهب باوجود تفاوت نگرش آنان در طول تاریخ قابل مشاهده است؛ هرچند که میزان توجه به این مسأله در میان فقهای اهل سنت بیش از فقهای امامیه بوده و این امر در فتاوی و احکام قضایی آنها نمود بیشتری داشته است. یکی از عرصه‌های توجه به حاجت، بحث ادله اثبات دعوا به‌صورت کلی و ادله اثبات جرم به‌طور خاص است. این پژوهش که به روش توصیفی تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای انجام شده، بیان می‌دارد؛ باتوجه به این که بینه هر چیزی است که حق و حقیقت را روشن و آشکار کند، به‌نظر می‌رسد با پذیرش قراین به‌عنوان دلیل و مشروعیت استنباط حکم بنا بر وجود حاجت که از فقهای متقدم و در ابواب مختلف فقهی صورت گرفته، امکان تعمیم آن در توسعه ادله اثبات جرایم کیفری نیز وجود داشته باشد؛ به‌ویژه زمانی که بیشترین یا تنها ادله اثبات، دلایلی باشد که مبتنی بر حاجات مردم است. بنابراین استناد به حاجت برای جواز بهره‌گیری از ابزار و شیوه‌های جدید اثبات جرم همانند تصویر، صدا و امثال آنها نه تنها با مقاصد شریعت منافاتی ندارد بلکه در راستای تحقق عدالت می‌باشد. بدیهی است که در کنار استفاده از ادله سنتی، موارد جدید نقش مکمل و در صورت نبودشان، بنابر حاجت، نقش جایگزین دارند؛ و زمانی می‌توان به آنها به‌عنوان دلیل شرعی استناد جست که در صحت انتسابشان به فرد تردیدی نباشد.

واژگان کلیدی: اثبات جرم، امور کیفری، بینه، حاجت، ضرورت، قراین.

*: نویسنده مسئول

۱. مقدمه

همپای رشد و گسترش جوامع بشری، حاجت و نیازهای جدیدی نیز در تمامی عرصه‌های زندگی سر برمی‌آورند که بی‌توجهی به آنها غالباً موجب می‌شود زندگی فرد و جامعه، با چالش‌های جدی مواجه شود. از جانب دیگر، به نظر می‌رسد بسیاری از حاجات در تعارض احکام فقهی و حقوقی قرار دارند و هر حاجتی را نمی‌توان به صرف مورد نیاز بودن و به بهانه گشایش و خروج از سختی و مشقت، به آن ترتیب اثر داد. این مسأله، فقها و حقوق‌دانان را برآن داشته تا از خلال نیازها و حاجات معتبر و شرعی به وضع قوانین و صدور احکام بپردازند.

عرصه اثبات جرایم و شیوه‌های مختلف کشف جرم نیز همواره دست‌خوش تغییرات بوده و حاجت، نقش غیر قابل انکاری در اثبات جرم و صدور حکم در مواردی چون انگشت‌نگاری و اقرار به مجمل و اقرار به مجهول و قسامه داشته است. امروزه نیز با ظهور تکنولوژی و گسترش روزافزون آن و پیدایش وسائل ارتباطی جدید و فناوری‌های مدرن مانند ابزارهای دیجیتالی صوتی و تصویری و امثال آن، زمینه برای به‌کارگیری آنها در کشف جرایم فراهم آمده است. با این حال جایگاه این فناوری‌های نوین به‌عنوان ادله اثباتی جرم یا اماره و قرائن و یا مزید علم قاضی، محل مناقشه و اختلاف نظر بین حقوق‌دانان و فقها بوده و میزان اعتبار آنها در اثبات جرایم، محل خلاف جدی است. بنابراین پرداختن به مسئله تأثیر حاجت در ادله اثباتی جرم، خصوصاً از نگاه قانون‌گذار به منظور اجرای هر چه بهتر عدالت و جلوگیری از تضییع حقوق و توجه به نیازهای نوظهور و ضروری جامعه و افراد، امری اجتناب‌ناپذیر است. در این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با شیوه کتابخانه‌ای سعی بر آن است پس از مفهوم‌شناسی واژه‌های حاجت، بینة و قرائن، به بیان مبانی فقهی و اصولی استنباط احکام بنا بر نیاز به قرائن با توجه به حاجت عصر، و نیز بررسی نقش قرائن براساس حاجت در اثبات جرم با تأکید بر فناوری‌های مدرن از منظر فقه مذاهب خمس، پرداخته شود و پس از تحلیل و ارزیابی اقوال و ادله، رأی راجح با ذکر استدلال بیان گردد.

۱-۱. پیشینه تحقیق

با وجود آنکه بحث عمومی حاجت در منابع کهن اصول فقه و قواعد فقه مورد توجه قرار گرفته؛ اما نقش آن به‌عنوان دلیل اثبات جرم به‌ویژه در مورد فناوری‌های جدید حتی در عصر حاضر مورد توجه چندانی قرار نگرفته است و پژوهش‌هایی که بتوان از آنها به‌عنوان پیشینه این تحقیق نام برد، از مباحث

کلی و عمومی درباره حاجت، مفهوم بینه و قرائن فراتر نمی‌رود که در این میان می‌توان به موارد زیر اشاره نمود.

۱- «الحاجة الشرعية، حقیقتها وادلتها وضوابطها»، تألیف: نورالدین الخادمی، این کتاب در سال ۲۰۰۲ م توسط مجله «العدل»، به چاپ رسیده است.

۲- «الحاجة الشرعية، حدودها و قواعدها» نوشته: احمد کافی، این کتاب در سال ۲۰۰۴ م توسط دار الکتب العلمیة به چاپ رسیده است.

۳- «الحاجة و أثرها فی الاحکام» تألیف: احمد رشید، این کتاب نیز در سال ۲۰۰۴ م توسط دار الکتب العلمیة چاپ شده است.

۴- «النظام القضائی فی الفقه الإسلام» تألیف: محمد رأفت عثمان که در نشر دار البیان سال ۱۴۱۵ ق = ۱۹۹۴ م، به چاپ رسیده است.

سه پژوهش اول گرچه مطالب مفیدی در ارتباط با حاجت، حدود و ضوابط آن، مستندات قاعده حاجت و تأثیر حاجت بر احکام در آنها وجود دارد؛ اما مطالب چندانی درباره تأثیر و نقش حاجت در توسعه ادله اثبات جرم در آنها مشاهده نمی‌شود؛ اما پژوهش چهارم دیدگاه بعضی از علما در مورد نقش عمل به قرائن را در اثبات حدود به‌عنوان ادله اثبات مطرح کرده است.

۵- رساله دکتری «مشروعیة الوسائل العلمیة الحدیثة فی الاثبات الجنایی» توسط نور المهدی سال ۲۰۱۸ م در دانشگاه باتنة الحاج لخضر نوشته شده است.

۶- پایان‌نامه «طریقیت یا موضوعیت ادله در حقوق کیفری»، سال ۱۳۷۶ ش، نوشته بهنام یوسفیان دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزای دانشگاه تهران.

۷- مقاله «تحلیل محتوایی اعتبارسنجی حاجت و کاربست قاعده حاجت در فقه مذاهب اسلام» نوشته آقایان دکتر سعید نظری توکلی و مهدی نریمانپور، در شماره ۱۶ مجله «فقه مقارن» در سال ۱۳۹۹ چاپ شده است. همان‌طور که از عنوان مقاله پیداست فقط بخشی از مقاله در مورد نقش حاجت در فقه است و تقریباً به مباحث جزایی و نقش حاجت در ادله اثبات جرم اشاره نشده است.

۸- مقاله «القضاء بالقرائن عند این قِیم الجوزیة من کتابه: الطرق الحکمیة» نوشته عبدالمجید بن محمد السبیل، در سال ۲۰۱۸ م در مجله العدل به چاپ رسیده است.

پژوهش‌های فوق‌الذکر به بحث حصری بودن یا نبودن ادله اثبات جرم پرداخته‌اند و نقش حاجت را در این مسأله مورد بررسی قرار نداده‌اند. درحالی‌که در پژوهش حاضر، نقش حاجت در اثبات جرم براساس مفهوم جدید بینه و همچنین نقش قرائن به‌عنوان ادله اثبات براساس حاجت عصر به‌ویژه از طریق استفاده از ادله جدید مورد بررسی قرار گرفته است که این مطلب نه در پژوهش‌های دسته اول (مربوط به حاجت) وجود دارد و نه در پژوهش‌های دسته دوم (مربوط به ادله اثبات جرم). مضافاً آنکه در این مقاله از دیدگاه‌های مذاهب فقهی خمس به‌طور گسترده استفاده شده که در پژوهش‌های سابق این مورد چندان قابل مشاهده نیست.

۲-۱. مفهوم حاجت

«حاجت» اسم مصدر از ریشه «حوج» و به معنای نیازمندی و جمع آن، «حاجات و حوجاء» است (فیروزآبادی، بی‌تا، ۴۲). از نظر «عطار» حاجت به معنای مطلق نیاز است؛ چه به حد ضرورت رسیده باشد یا نه (عطار، بی‌تا، ۳۲۳/۲).

در اصطلاح «حاجت، حاجیات و المقاصد الحاجیه» معنای واحدی دارند (عجم، بی‌تا، ۵۳۶/۱-۵۳۷). بیشتر فقها به‌جای تعریف حقیقی حاجت، تنها به بیان مثال‌هایی بسنده کرده‌اند. عده‌ای نیز به بیان مقصود این اصطلاح و تفکیک آن از اصطلاحات مشابه، به‌خصوص «ضرورت» پرداخته‌اند. «جوینی» فقیه شافعی که پیشکسوت در تقسیم اقسام مناسب و مراتب مقاصد است، تعریف مشخصی برای این مرتبه از مقاصد حاجی ارائه نداده و به مقید کردن حاجت به صورت عام اکتفا کرده و این‌که حاجت به حد ضرورت نرسیده و کمتر از آن است (جوینی، ۱۴۱۲، ۷۹/۲). بنابر نظر «ابن عاشور» از فقهای مالکی حاجت آن است که مردم برای ساماندهی امور به بهترین وجه، به آن محتاج هستند؛ و اگر مورد توجه قرار نگیرد، نظام و امور به تباهی کشیده می‌شود؛ اما این حد از نابسامانی به مرتبه ضرورت نمی‌رسد (الیوبی، ۱۴۱۸، ۲۱). «شاطبی» فقیه دیگری از مالکیه می‌گوید: «حاجیات، اموری هستند که به جهت گشایش و رفع مشقتی که در غالب موارد منجر به حرج می‌شود، به آن نیازمندیم. این حرج و سختی به‌گونه‌ای است که باعث فوت مطلوب می‌شود و اگر نسبت به آن بی‌توجهی شود، تمام مکلفان به سختی و مشقت می‌افتند» (شاطبی، بی‌تا، ۹/۲). این تعریف به نسبت سایر تعاریفی که قدما از حاجت ارائه داده‌اند، نزدیک‌ترین تعریف به حقیقت حاجت محسوب می‌شود و شاید بتوان گفت در میان تعاریف قدما، تنها تعریفی است که حاجت را از غیر آن جدا می‌کند. البته این تعریف «حاجت خاص» را شامل نمی‌شود.

غالب تعاریف معاصرین نیز تفاوت چندانی با تعاریف قدما ندارد و بیشتر، در بردارنده حکم و آثار و اسباب حاجت است تا حقیقت آن.

علمای امامیه حاجت را برای استنباط احکام به عنوان منبع مستقل در نظر نمی‌گیرند و کمتر به بحث حاجت پرداخته‌اند. با این حال بعضی از عالمان امامیه از جمله «شریف مرتضی» معتقد است که حاجت، طلب دفع چیزی است که تحقق آن، زیان بار است یا طلب چیزی است که نبود آن، ایجاد اختلال می‌کند (شریف مرتضی، ۱۴۰۵، ۲۶۹/۲).

از خلال تعاریف قدما و معاصرین، تعریفی که می‌توان ارائه داد تا مبین حاجت و تشخیص آن از غیر حاجت باشد، این است که حاجت، نیاز به چیزی است که برای تسهیل کارها و رفع حرج و تنگنا و مشقت و ساماندهی امور به آن نیاز داریم.

۱-۲-۱. ارتباط حاجت با ضرورت: ضرورت در لغت از «ضرر» به معنای لزوم و انفکاک ناپذیری است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ۵۰۵). ضرورت را به معنای حاجت (زبیدی، بی تا، ۱۲/۳۸۸)، یا عذری که به موجب آن، ارتکاب برخی از امور ممنوع، مجاز می‌شود، ذکر نموده‌اند، مانند گرسنه‌ای که از شدت گرسنگی در حال مرگ است و در این شرایط می‌تواند بدون کسب اجازه، از مال دیگران به اندازه رفع گرسنگی بردارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۹، ۴۱۶). به نظر «شاطبی» ضرورت آن است که برای برپایی مصالح دین و دنیا باید وجود داشته باشد و اگر فراهم نباشد، مصالح دنیا استوار نمی‌ماند و منجر به زیان اخروی نیز می‌گردد (شاطبی، بی تا، ۲۲۱).

هر چند در لغت، ضرورت و حاجت گاهی در یک معنا به کار می‌روند؛ اما نیازی که در حاجت وجود دارد کمتر از نیازی است که در ضرورت است؛ زیرا نیاز در ضرورت، برای محافظت از مصالح اساسی است که انسان نمی‌تواند از آن بی‌نیاز باشد؛ اما نیاز در حاجت به جهت گشایش و رفع تنگنا و مشقت است. با این حال باید توجه داشت که چنانچه حاجت، عمومی باشد نیاز به آن بیشتر است و گاه ممکن است به حد ضرورت ارتقا یابد و به همین خاطر است که گفته شده: «الحاجة تنزل منزلة الضرورة» (زرقاء، ۱۹۹۸، ۲۰۹). ناگفته نماند با وجود تبیین مفهومی حاجت و ضرورت و بیان تفاوت آنها از جانب فقها، در مقام عمل و در تعیین مصداق هر یک از آنها اختلاف وجود دارد و چه بسا امری را که فقیهی حاجت می‌داند، فقیهی دیگر ضرورت تلقی کند.

۱-۲-۲. ارتباط حاجت با مشقت: مشقت، مصدر فعل «شقّ» و به معنای دشواری است (ابن فارس، ۱۳۹۹، ۵۱۹). بسیاری از فقها تعریف واضحی از مشقت ارائه نکرده و تنها برخی انواع مشقت را بیان کرده‌اند تا مشقت‌هایی که سبب تخفیف هستند را از سایر انواع مشقت جدا کنند. با این حال گفته شده که مشقت، سختی و رنجی است که فراتر از حد معمول و قابل تحمل باشد (قلعه‌جی، ۱۴۰۸، ۴۳۱). حاجت، یکی از اسباب مشقت است که آسانی و تسهیل را می‌طلبد؛ زیرا اگر حاجت کسی برآورده نشود، دچار مشقت و سختی می‌شود. از نظر فقها، حاجت، مظنه مشقت است و به بیان دیگر، حاجت، نیاز به چیزی است به‌خاطر رفع و دفع مشقت. البته حاجت تنها سبب مشقت نیست، بلکه مشقت اسباب دیگری غیر از حاجت نیز دارد؛ مانند ضرورت، حرج، عموم بلوی و جهل.

۱-۲-۳. انواع حاجت: فقها گرچه در مورد توجه به حاجت در استنباط احکام شرعی اتفاق نظر دارند لیکن هر نوع حاجت و هر اندازه از نیاز را در تغییر احکام شرعی، مؤثر ندانسته و نوع و میزان حاجت را در تأثیر بر احکام فقهی، مؤثر دانسته‌اند. از انواع حاجت می‌توان به حاجت عام و خاص، حاجت مؤکد و غیرمؤکد، حاجت ملحق و غیرملحق به حکم ضرورت و حاجت اصلی و فرعی اشاره کرد. در این میان حاجت عام و خاص و ملحق و غیرملحق به حکم ضرورت اهمیت شایانی در مقام عمل و استنباط احکام دارد.

منظور از «حاجت عام» حاجتی است که تمام مردم در مصالح عمومی به آن نیاز دارند و باید در سطح وسیعی از جامعه موجود باشد و مختص فرد یا گروه و قشر و مکان خاصی نباشد؛ همانند «مشروعیت عقود سلّم» و «اجاره» (جوینی، ۱۴۱۲، ۶/۲؛ زحیلی، ۱۴۱۸، ۲۶۲؛ وزارة الاوقاف، ۱۶، ۱۴۱۴/۲۵۶). «حاجت خاص» آن است که گروهی از مردم مانند صاحبان یک حرفه یا معدودی از افراد یا مردم یک شهر خاص به آن نیازمندند و بر خلاف حاجت عام، برای جواز عمل بر مبنای آن، باید حاجت در تک تک افراد محقق شود و جز برای نیازمندان به آن جایز نیست.

منظور از حاجت ملحق به حکم ضرورت، آن است که به جهت شدت نیاز به آن، حکم ضرورت پیدا می‌کند و اجتناب از آن امری بسیار دشوار است. قاعده مشهور «الحاجة تنزل منزلة الضرورة» مؤید این مطلب است (سیوطی، ۱۴۱۵، ۶۲؛ ابن‌نجیم، ۱۴۱۳، ۱۰۰). حاجت غیرملحق به حکم ضرورت، حاجتی است که حکم ضرورت را به خود نمی‌گیرد.

۲. ادله اثبات جرم

جرائم اساساً از طریق اقرار صریح یا بینه شرعی و گاهی با علم قاضی (سید مرتضی، بی تا، ۴۸۶؛ طوسی، الخلاف، بی تا، ۲۴۲/۶؛ کاسانی، ۱۴۱۸، ۷/۷) و سوگند اثبات می‌شود؛ اما در برخی موارد اثبات جرم از طرق معمول ممکن نیست. بنابراین اقتضای وجود حاجت و نیاز عام و خاص افراد، آن است که فقها به شیوه‌های دیگری برای اثبات جرائم متوسل شوند؛ مثلاً در مواردی که متهم، اقرار نمی‌کند و از آنجا که اکثر جرائم در خلوت و دور از انظار دیگران انجام می‌گیرد و اقامه بینه بر آنها، غیرممکن یا دشوار است، به این علت به روش‌هایی مانند قسامه (مفید، ۱۴۱۰، ۷۳۶؛ ابن رشد، ۱۴۲۵، ۴۲۱/۲؛ شربینی، بی تا، ۱۰۹/۴ و ۱۱۴)، انگشت‌نگاری (قرارات المجمع الفقهی الإسلامی، ۱۴۲۴، ۳۴۶)، اقرار به مجمل (طوسی، بی تا، ۷۰۲-۷۰۳؛ مرغینانی، بی تا، ۱۸۰/۳)، اقرار به مجهول (شهید اول، ۱۴۱۲، ۳۱۷؛ سرخسی، ۱۴۱۴، ۱۸۵/۱۷) شهادت بر شهادت (طوسی، بی تا، ۳۱۹/۶؛ نجفی، ۱۳۷۴، ۱۸۹/۴۱؛ نووی، ۱۴۱۲، ۲۸۹/۱۱) جهت اثبات جرائم روی آورده‌اند.

با وجود اختلاف نظرهایی که فقها و حقوق‌دانان در باب حجیت و اعتبار ادله اثبات دارند با این حال اجمالاً می‌توان گفت که اقرار، علم قاضی، شهادت، سوگند و سوگند همراه با شهادت از ادله فقهی مشترک اثبات دعوی در امور حقوقی و کیفری و قسامه و لعان از ادله خاص در امور کیفری است. ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی، اقرار، اسناد کتبی، شهادت، اماره و قسم را به‌عنوان دلایل اثبات دعوا برمی‌شمارد و مواردی مانند معاینه محل و رجوع به کارشناس، در قانون جدید آیین دادرسی مدنی افزوده شده است. جمهور فقهای مذاهب خمس اماره و قرینه را جزو بینه قرار نمی‌دهند؛ زیرا بینه شرعی را محصور در شهادت شهود دانسته و معتقدند که وسایل اثبات و بینات منحصر به تعداد معدودی بوده و افزایش نمی‌یابند. نظر به اهمیت و جایگاه قراین و حاجت به آن در اثبات جرائم به تبیین این مفهوم خواهیم پرداخت.

قرینه مفرد قرائن و مؤنث قرین از «قَرَن» و به معنای مصاحب و همراه می‌باشد (فیروزآبادی، ۱۲۲۳، ۱۹۹۰). فقها در معنای اصطلاحی بینه و اعتبار آن، اختلاف نظر دارند و با وجود این‌که در موضوعات جداگانه از قرائن صحبت کرده‌اند ولی تعریف مستقلی از آن ارائه نداده‌اند، تنها تعریف بیان

شده از جرجانی است که گفته: قرینه «امری است که اشاره به مطلوب می کند» (جرجانی، ۱۹۸۵م، ۱۸۲). در حقیقت چنین تعریفی نه به مطلوب و نه به مقصود اشاره‌ای ندارد.

برخی از فقها و محققین معاصر از جمله مصطفی زرقاء قرینه را چنین تعریف نموده است: «کل أماره ظاهرة، تقارن شيئاً خفياً، فتدل عليه» (زرقاء، ۱۹۸۸، ۹۳۶/۲). بنابراین می‌توان گفت که قرینه، هر نشانه روشنی است که با امری پنهانی همراه باشد و بر آن دلالت کند.

ابن قیم حنبلی بر خلاف اکثر فقها «بینه» را چنین تعریف می‌کند که: «بینه اسمی است برای هر چیزی که حق و حقیقت را روشن و آشکار کند، و می‌گوید هر کسی آن را منحصر و یا محدود به دو یا چهار شاهد و یا فقط شاهد نماید؛ مفهوم و مدلول حقیقی آن را نشناخته است. بینه هیچ‌گاه به معنی دو شاهد نیامده و بلکه منظور از آن در قرآن به معنای حجت، دلیل و برهان می‌باشد و کلمات و واژه‌هایی از قبیل بینه، دلالت، حجت، برهان، نشانه، بصیرت و اماره همگی متقارب هستند (ابن قیم، بی‌تا، ۲۵-۲۶، ۶۴) ایشان معتقدند که الفاظ بینه، علامت و امارات، از حیث احتجاج و مبنای حکم حاکم، الفاظ متقارب می‌باشند (ابن القیم، بی‌تا، ۲۵).

ابن فرحون مالکی همانند ابن قیم معتقد است که معنای بینه اعم از معنای شهادت است و شامل هر آنچه که حقی را روشن و آشکار نماید، می‌گردد. در نتیجه بینات نزد این عده از علما به عدد و نوع خاصی محصور نمی‌گردد و برخلاف جمهور، قرینه را به‌عنوان وسیله‌ای از وسایل ادله اثبات پذیرفته‌اند و احتجاج به آن‌را حتی در حدود و قصاص و دیات مشروع می‌دانند و معتقدند با نادیده گرفتن امارات و علامات، احکام بی‌شماری تعطیل خواهد شد و حقوق مردم ضایع می‌شود (ابن فرحون، ۱۹۹۵م، ۱۷۲/۱). آنان برای مشروعیت قرینه به‌عنوان دلیل شرعی به ۱۵ دلیل از قرآن و سنت و عملکرد اصحاب و عقل استناد کرده‌اند که به مواردی اشاره خواهد شد:

الف: خداوند در آیات ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ سوره یوسف قرینه‌ای را برای برائت حضرت یوسف قرار داد که عزیز مصر با آن به برائت ایشان رسید (ابن قیم، بی‌تا، ۱۰). در مورد آیه «وَجَاءُوا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبِرْ جَمِيلًا وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ» (یوسف/۱۸) قرطبی بیان می‌کند که فقها برای اعمال امارات در مسائل فقهی همانند قسامه و امثال آن به این آیه استناد می‌نمایند (قرطبی، ۲۰۰۶م، ۱۱/۲۸۸؛ ابن القیم، بی‌تا، ۱۰؛ ابن فرحون، ۱۹۹۵م، ۱/۲۷۰).

ب: استناد به عملکرد پیامبر^(ص) که با وجود لوٹ، قسامه را ثابت کرد و براساس آن مدعی قتل و اولیای مقتول در صورتی که بینه نداشته باشند پنجاه سوگند می‌خورند و قتل ثابت می‌شود (مسلم، ۱۴۲۷ق، ۱۶۶۹). اعتماد پیامبر^(ص) به ظاهر امارات و غلبه ظن صدق مدعی بود و سوگند هم بر همین اساس جایز است، بلکه قبول آن برای حاکم و قاضی با وجود عدم رؤیت و شاهد در قصاص و یا دیه واجب است (ابن قیم، بی تا، ۱۱).

ج: استناد به عملکرد خلفا به قطع دست شخصی که مال سرقت شده در دست ایشان باشد. در چنین حالتی قرینه از بینه و اقرار قوی تر است (ابن قیم، بی تا، ۱۳). بر همین اساس قرینه را به اعتبار مصدرش به دو نوع تقسیم بندی نموده اند: ۱) قرینه قاطع که از نص گرفته شده باشد و قرینه ای که دلالتش اثبات عکس آن را نمی پذیرد. ۲) قرینه مستنبطه که فقهای مذاهب براساس مذهب فقهی و یا قضات براساس قرائنی آن را استنباط می نمایند و به آن عمل می کنند. علاوه بر آن قرائن را براساس قوت دلالت به قرائن قاطع؛ قرائن ظنی و ضعیف تقسیم کرده اند (ابن القیم، بی تا، ۷-۸).

۳. تأثیر حاجت در ادله اثبات جرم به شیوه های نوین

حاجت، از جمله اسباب رفع مشقت و تسهیل امور است که شارع مقدس آن را در تشریح احکام مدنظر قرار داده است و در زمینه های مختلف، احکامی بر مبنای حاجت و رفع حرج و ضرر وضع کرده است. از جمله، این امر را در اثبات جرم، مورد توجه و اهتمام قرار داده است. بدیهی است که اثبات جرایم همیشه از طرق معمولی که ذکر شد، امکان پذیر نیست. در عصر تکنولوژی و ارتباطات، شیوه های نوینی برای کشف حقیقت به وجود آمده که می تواند به عنوان قراین مورد استناد قضات قرار گیرد. از بارزترین آنها می توان به شهادت از راه دور و ادله الکترونیکی همچون واتساپ، تلگرام و تلکس و غیره اشاره کرد.

۳-۱. ادله الکترونیکی (فیلم، صوت، تصویر، ایمیل، پیامک و...): اساسی ترین بخش فرایند رسیدگی در دادرسی های الکترونیکی را شاید بتوان ادله اثبات دعوا دانست. در فصل دوم قانون تجارت الکترونیک، ادله اثبات دعوا در جرایم اینترنتی را مدنظر قرار داده و داده پیام ها و امضای الکترونیکی را همانند امضای سنتی و نوشته، دارای ارزش اثباتی دانسته است. ماده ۲ قانون تجارت الکترونیک، داده پیام را چنین تعریف کرده است: «اطلاعات یا مفهوم یا هر نمادی از واقعه که با ابزارهای الکترونیک و یا فناوری های نوین

اطلاعات، تولید، ارسال، دریافت و پردازش یا ذخیره می‌شوند و جهت دفاع یا اثبات دعای، مورد استفاده قرار می‌گیرند». با توجه به این تعریف، ادله الکترونیک، تمام اطلاعات کسب شده از دستگاه‌های الکترونیکی همچون دورنگار، تلفن همراه و همه مدارک و اسناد موجود در فضای مجازی را شامل می‌شود.

استناد به ادله الکترونیکی قبل از سال ۱۳۸۲ شمسی وجهه قانونی نداشت و در حد اماره به آنها توجه می‌شد. نظر به استفاده روزافزون از فضای مجازی در تمام امور، حاجت عمومی به قوانینی در باب جرایم رایانه‌ای و فضای مجازی به شدت احساس گردید و قانون تجارت الکترونیک در سال ۱۳۸۲ شمسی تصویب شد. در ماده ۱۲ قانون مذکور آمده است که ادله اثبات دعای گاهی به صورت داده پیام بوده و در هیچ محکمه و اداره دولتی نمی‌توان ارزش اثباتی داده پیام را به علت قالب و شکل آن مردود دانست. ماده ۱۲ قانون تجارت الکترونیک نیز دلالت بر اصل صحت اسناد الکترونیکی دارد.

ارسال و دریافت ایمیل و پیامک نیز با عمومی شدن اینترنت و تلفن همراه، رواج یافته است. ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هر شخص با اوراق چاپی یا خطی یا با درج در جراید و روزنامه‌ها یا نطق یا به هر وسیله دیگر، امری را صریحاً به کسی نسبت دهد یا منتشر نماید که برابر قانون، آن امر جرم محسوب می‌شود و نتواند صحت آن را ثابت کند؛ به جز در موارد حد، به یک‌ماه تا یک‌سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق یا یکی از آنها محکوم می‌شود». ایمیل و پیامک در زمان حاضر مشمول «به هر وسیله دیگر» بوده و می‌تواند راهی برای ارتکاب جرم باشد.

از منظر فقهی باید گفت دلیل الکترونیک، مصداقی از سند مکتوب یا نوعی نوشته بر روی فضای اینترنت یا حافظه رایانه است. بنابر ماده ۶ قانون تجارت الکترونیک، داده پیام در حکم نوشته است؛ اما دیدگاه‌های فقهی در ارتباط با این مسئله متفاوت است؛ در حالی که به اعتقاد دسته‌ای از فقهای امامیه که اغلب آنها جزو متقدمین هستند، سند، ادله اثبات دعوا نبوده و طرق اثبات انحصاری هستند (شهید اول، ۱۴۱۰، ۹۰؛ قمی، ۱۴۱۵، ۳۹۶)؛ اما بنابر دیدگاه دسته‌ای دیگر در صورت محرز بودن قصد طرفین از انشای عقد، قاضی می‌تواند براساس علم شخصی خود حکم صادر کند (حائری، ۱۴۱۵، ۱۸۴؛ قمی، ۱۳۸۷، ۶۷۲-۶۷۳). به نظر برخی دیگر از فقهای امامیه، سند و نوشته از نوع اشارات است؛ مانند شخصی که برای انتقال مفاهیم، با دست و سر اشاره می‌کند در حالی که فقط لفظ می‌تواند بیانگر مقصود انسان باشد. چنان‌که گفته شده: «سند از جنس افعال بوده و افعال هم نمی‌توانند بیانگر مقاصد باشند»

(نجفی، ۱۴۰۴، ۳۷۴/۶). در این باره باید گفت: اولاً سند و نوشته بیشتر به الفاظ شبیه است تا اشاره و فعل. ثانیاً آنچه که مهم است و باید ملاک عمل قرار بگیرد افهام است و این افهام همچنان که با لفظ حاصل می‌شود با سند و نوشته و حتی اشاره و فعل و فراتر از آن، یعنی سکوت نیز، می‌تواند به دست بیاید. در واقع، سند کتبی، لفظی است که به صورت مکتوب درآمده و تقریباً با لفظ از یک جنس است، به علاوه، سند به جهت ثباتی که دارد، بهتر از الفاظ می‌تواند مقصود را بیان نماید (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۵، ۷۵۸/۲). «نووی» از فقهای شافعی شهادت لال مادر زاد را تنها به صورت نوشته معتبر می‌داند و معتقد است نوشته انضباط بیشتری دارد (نووی، ۱۴۱۲، ق، ۱۱۴).

از دیدگاه «زحیلی» از فقهای معاصر اهل سنت، آیه ۲۸۲ سوره بقره که به مؤمنان امر می‌کند معاملات مدت دار خود را بنویسند، امر در این آیه، وجوبی باشد یا استحبابی مقتضی اعتبار سند به عنوان وسیله توثیق و تضمین معاملات است و گرنه، امر، در این آیه بی‌معناست و چنین چیزی از جانب خداوند غیر ممکن است (زحیلی، ۱۴۰۲، ۴۲۵-۴۲۶). از دیدگاه او، برخی از فقها ماهیت سند را همان اقرار کتبی بر تعهدات معاملاتی دانسته‌اند و سند را فرع بر بحث اقرار برمی‌شمارند و به این جهت، بایی مستقل در فقه برای مبحث سند و دلایل حجیت آن، باز نشده است (زحیلی، ۱۴۰۲، ۴۳۳).

با توجه به آنچه ذکر شد، می‌توان گفت که در فقه، کتابت به مفهوم ثبت بوده و منظور از آن، خط و کتابت نیست و بنابراین، شامل هرگونه ثبت اطمینان‌آوری می‌شود و همانند اسناد کاغذی در فقه، اعتبار و حجیت دارد. نوشته و سند اگر دارای امضا یا مهر بوده و قصد تنظیم‌کننده آن بر پذیرش محتویات، مسلم باشد و به شیوه‌ای مطمئن نگهداری و از تغییر درامان باشد، معتبر بوده و قاضی می‌تواند براساس آن حکم صادر کند. بنابر دیدگاه ابن فرحون و ابن قیم که بینات را محصور در عدد و نوع خاصی نمی‌دانند، و نظر به کاربرد و استفاده گسترده و روز افزون از ابزارهای الکترونیکی در میان مردم، استناد به آنها در اثبات جرایم جزو حاجات و نیازهای مردم و دستگاه قضایی کشور محسوب می‌شود و در صورت اطمینان از عدم تحریف و صحت انتسابشان بنابر حاجت می‌تواند مستقلاً به عنوان یکی از ادله اثبات دعوی یا دست‌کم به عنوان اماره‌ای مؤثر برای حصول علم قاضی و صدور حکم باشد، خصوصاً این که «دلیل الکترونیک» حاوی اطلاعات بیشتری از قبیل تاریخ تولید و تغییرات و حذف پوشه یا تغییر رمز می‌باشد و برای کشف وقایع در مواردی کارایی بیشتری نسبت به سایر ادله دارد (Young, 2017,)

p3). داده‌پیام الکترونیکی جز در موارد نادری همیشه قابل بازیابی هستند و از بین نمی‌روند (Chung, 2001, p22)، و بنا بر حاجت و ویژگی‌های آنها، ارزش اثباتی قوی‌تری از سایر ادله موجود دارند.

۲-۳. شهادت از راه دور از دیدگاه فقه و حقوق: فقهای گذشته در آثارشان به موضوع شهادت از راه دور اشاره چندانی نکرده‌اند؛ چراکه در عصر آنان چنین امکانی وجود نداشته است؛ اما در لابه‌لای مطالعه آثارشان می‌توان چنین استنباط کرد که جمهور فقها حضور شاهد در مجلس قضاوت را لازم دانسته‌اند و در صورت عدم امکان حضور، ادای شهادت را از وی ساقط نموده‌اند (شربینی، بی‌تا، ۳۹/۶؛ زرقانی، ۱۴۲۲، ۳۵۲/۷؛ ابن قدامه، بی‌تا، ۱۲۹/۱۰؛ ابن حزم، بی‌تا، ۲۷-۵/۸). حنابله و حنفیه به صراحت مکان ادای شهادت را مجلس حکم (دادگاه) دانسته‌اند و معتقدند که شهادت جز به قضاوت قاضی حجت نبوده و دلیل الزام‌آور نیست؛ بنابراین مختص مجلس قضاوت است (الکاسانی، ۱۴۱۸، ۲۷۷/۶؛ البهوتی، ۱۴۰۲، ۴۰۵/۶)، اما شافعیه و مالکیه به صورت صریح به مکان ادای شهادت اشاره نکرده‌اند ولی با تتبع در کتاب‌هایشان می‌توان گفت که آنان نیز معتقد به حضور شاهد در دادگاه و نزد قاضی هستند؛ چراکه بیان کرده‌اند اگر شاهد به دلیل سفر و مرض نتواند در محکمه حضور یابد، ادای شهادت بر وی واجب نیست (شربینی، بی‌تا، ۳۹۰/۶؛ زرقانی، ۱۴۲۲، ۳۵۲/۷). برخی از فقهای امامیه نیز بر این باورند که راه‌های اثبات جرایم خصوصاً در حدود، مشخص است؛ به‌عنوان مثال در شهادت زنا باید چهار شاهد مرد عادل وقوع زنا را مشاهده کرده باشند تا بتوان بر مبنای این شهادت حکم داد. بنابراین روی آوردن به شیوه‌های جدید شهادت از راه دور و اثبات جرایم بر مبنای آن، خلاف امر شارع مقدس است (صانعی، ۱۳۸۸، ۷۹-۸۰/۱) دسته‌ای دیگر از ایشان بر موضوعیت داشتن شهادت نزد حاکم معتقد بوده و بر این اساس، شهادت از راه دور را حجت نمی‌دانند (موذن زادگان ومولاییگی، ۱۴۰۰، ۲۳۳) عده‌ای از حقوق‌دانان معاصر نیز به علت این‌که در شهادت از راه دور با ابزار پیشرفته کنونی، احتمال دست‌کاری و دخل و تصرف و مخدوش شدن اسناد الکترونیکی وجود دارد و همچنین تشخیص مجرم بودن شاهد از طریق صدق و کذب اظهاراتش برای قاضی آن‌چنان که باید امکان‌پذیر نیست، با شیوه شهادت از راه دور مخالفت کرده‌اند.

در مقابل، عده‌ای از فقهای معاصر معتقدند که شهادت از راه دور از مسائل مستحدثه است و این‌که فقهای گذشته بر لزوم حضور شاهد در دادگاه و نزد قاضی تأکید کرده‌اند؛ به‌خاطر اطمینان از نسبت‌دادن

شهادت به شاهد، شناخت هویت و شنیدن اظهارات شاهد بدون دخل و تصرف و تغییر در محتوای شهادت بوده است و اگر از هر طریق دیگری این اطمینان‌ها برای محکمه و قاضی ایجاد شود، مانعی برای جواز شهادت از راه دور و به‌کارگیری ابزار و فناوری‌های پیشرفته وجود ندارد (عطیه، ۲۰۱۵، ۲۰/۵؛ عنزی، ۲۰۰۷، ۸۸). در قانون مجازات اسلامی ماده ۱۸۶ و مواد ۲۱۴ و ۲۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲، شهادت از راه دور را در صورت ناتوانی شاهد از حضور در محاکم قضایی و به شرط محرزبودن انتساب به شاهد، پذیرفته است.

باتوجه به آنچه بیان شد، بنابر قاعده «الحاجة توجب الانتقال إلى البديل عند تعذر الأصل» می‌توان گفت که حاجات شرعی به جهت رفع نیاز و گشایش و تسهیل در امور مردم جایز شده است (ابن رجب، ۱۴۱۳، ۲۱). شریعت اسلامی در موارد زیادی هنگام حاجت و نیاز و جهت گشایش و تسهیل امور، احکام جایگزین را به جای احکام اصلی تشریح کرده و جایز دانسته است. از جمله زمانی که فرد نتواند ایستاده نماز بخواند نشسته خواندن را جایز دانسته و حکم اصلی را رها نکرده است. یا در صورت حاجت و نیاز در کفاره ظهار، بدل آزاد کردن برده، روزه را جایز دانسته است (ابن حزم، بی‌تا، ۷۰/۸). در شهادت نیز که اصل بر ادای آن نزد قاضی است هنگامی که فرد عذر موجهی داشته باشد و نتواند در محکمه حاضر شود، جهت تسهیل و گشایش امور مردم و به جهت این‌که رها کردن شهادت به‌طور کلی یا موکول کردن آن به زمانی دیگر، مستلزم مشقت بیشتر و اطاله دادرسی و صرف هزینه و زمان بیشتر و تضییع حقوق شده و با مقاصد شریعت در تضاد است، می‌توان در هنگام تعذر از شهادت نزد محکمه به شیوه‌های جدید روی آورد. علاوه بر آن جمهور فقها بر اصل جواز شهادت بر شهادت در هنگام عدم امکان شهادت شهود اصلی اتفاق نظر دارند. در واقع فقها به‌خاطر نیاز و جلوگیری از تضییع حقوق، انتقال شهادت شاهد اصلی به شاهد فرعی را جایز شمرده‌اند (نجفی، ۱۳۷۴، ۱۸۹/۴۱؛ کاسانی، ۱۴۱۸، ۲۸۱/۶؛ ابن‌عبدالبر، بی‌تا، ۴۶۶). گرچه ممکن است به‌خاطر فراموشی یا خطا و یا کذب شاهد فرعی، تغییراتی در شهادت روی بدهد، پس وقتی چنین شهادتی را جایز بدانیم به طریق اولی باید شهادت از راه دور با ابزارهای ارتباطی جدید که احتمال دخل و تصرف در شهادت با استفاده از کارشناسان خبره و رعایت اصول به حداقل رسیده و حتی گاهی منتفی می‌گردد، جایز باشد، به‌علاوه امکان تحقیق از هویت شاهد و نسبت دادن شهادت به او نیز فراهم است.

۳-۲-۱. شیوه‌های شهادت از راه دور و ارزش اثباتی آنها: شهادت از راه دور به سه شیوه شهادت کتبی آنلاین و غیرمستقیم از طریق وسایل ارتباطی همچون فاکس و تلکس، شهادت صوتی مستقیم و غیرمستقیم از طریق ارتباط تلفنی یا گفتگوی صوتی از خلال شبکه اینترنتی با اپلیکشن‌های مختلف صوتی همانند ایمو و واتساپ و یا ضبط صدای شهود و انتقال آن با ایمیل یا گوشی‌های هوشمند و همچنین شهادت صوتی تصویری آنلاین و از پیش ضبط شده با بهره‌مندی از فناوری‌هایی همچون ایمو و اسکایپ و واتساپ صورت می‌گیرد که از لحاظ ارزش اثباتی در یک درجه و سطح نیستند. در ادامه شیوه‌های شهادت الکترونیکی و اثر حاجت بر ارزش اثباتی آنها بیان می‌گردد.

۳-۲-۱. شهادت کتبی آنلاین و غیرمستقیم: این نوع از شهادت دارای مشابهت‌هایی با شهادت کتبی و شهادت مستقیم مدنظر فقهای سنتی است. فقهای شافعی و حنبلی، شهادت مکتوب را جز در صورت حاجت قبول نمی‌کردند؛ زیرا از نظر آنها چنین شهادتی، چون با معانی صورت می‌گیرد و حقیقت وقایع را در خود نمی‌گنجاند، افاده قطع و یقین نمی‌کند (شربینی، بی تا، ۲۹۸/۶؛ ابن قدامه، ۱۴۱۴، ۱۰/۱۷۲). مقید ساختن پذیرش شهادت مکتوب به حالت نیاز، بیانگر این نکته مهم است که حتی فقیهانی که شهادت مکتوب را در حالت عادی نپذیرفته و حجیت تلقی ننموده‌اند در صورت وجود نیاز، آن را معتبر می‌دانستند. این روش (پذیرش دلیل به خاطر وجود نیاز) در قرآن کریم مورد تأیید و تصریح قرار گرفته است. خداوند متعال در باب پذیرش شهادت کفار (که در حالت عادی مورد قبول نیست) می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا شهادة بینکم اذا حضر أحدکم الموت حین الوصیة اثنان ذوا عدل منکم أو آخران من غیرکم إن أنتم خرجتم فی الارض فأصابکم مصیبة الموت» (مائده/۱۰۶)، چنانچه ملاحظه می‌شود خداوند متعال به خاطر نیاز به شهادت در سفر که احتمال وجود شاهد مسلمان و عادل کم است و به جهت عدم ترضیح حق، وصیت فرد را با شهادت افراد غیر مسلمان به دلیل وجود نیاز، پذیرفته است.

فقهای گذشته در شهادت مکتوب، به جهت نبود کارشناسان خبره و اطمینان از صحت انتساب نوشته به شاهد و عدم تغییر آن و یقینی بودن شهادت برای محکمه، قیود و شروطی تعیین کرده‌اند؛ اما امروزه با ظهور ابزار پیشرفته، انتقال مکتوبات خطی و الکترونیکی دارای امضای شاهد بدون شائبه شک و تردید و فراهم بودن امکان کشف هرگونه دست‌کاری و دخل و تصرف، مانعی شرعی برای عدم جواز به‌طور کلی دیده نمی‌شود. به‌علاوه، شهادت اطلاع و خبری است از آنچه شاهد به آن علم و آگاهی دارد و نزد قاضی بیان کرده و قاضی به هر شیوه معقولی از اخبار و حوادث رخ داده علم حاصل کند، جایز است به

آن اعتماد کرده و بنا بر آن، حکم صادر نماید و نوشته نیز یکی از طرق رسیدن قاضی به فهم صحیح است (ابن فرحون، ۱۹۹۵، ۲ / ۸۵). شریعت اسلامی نیز هیچ‌گاه مانع به‌کارگیری ابزار پیشرفته جهت صیانت از حقوق افراد در هنگام نیاز و حاجت نبوده است؛ اما این به معنای جواز شهادت مکتوب به صورت مطلق نیست. باید اذعان کرد که انتقال شهادت به صورت الکترونیکی در مواردی چون تلکس که نشانه روشنی بر هویت کاتب ندارد و امکان انتساب آن به شاهد مشکل است و از آنجا که جواز چنین شهادتی به خاطر حاجت و نیاز مردم بوده، لازم است تمامی جوانب احتیاط را رعایت کرد. در خصوص ارزش اثباتی شهادت مکتوب می‌توان گفت که در صورت دارا بودن کلیه شرایط شهادت و اطمینان از امنیت شیوه ارسال و صحت انتساب آن به شاهد و با استناد به پذیرش شهادت مکتوب از جانب فقهای متقدم در هنگام حاجت و محصور نبودن ادله اثبات نزد برخی دیگر از فقها، می‌توان در حدود به‌عنوان قرینه و مزید علم قاضی، قلمداد شود و در غیر حدود به‌عنوان ادله مثبت دعوی تلقی گردد.

۲-۱-۲-۳. شهادت صوتی مستقیم و غیرمستقیم: در شهادت صوتی آنلاین، گفتگوی صوتی بین شاهد و قاضی انجام می‌شود و تمام طرفین دعوی و حاضران در محکمه آن را شنود می‌کنند و امکان گفتگو بین طرفین دعوا با شهود وجود دارد. هرچند این ابزار و وسایل در گذشته موجود نبوده؛ اما با جستجو در آثار گذشتگان می‌توان اثری از جواز عمل بر مبنای وسایل صوتی پیدا کرد. «نووی» فقیه شافعی می‌گوید: «هرگاه یک قاضی در پایان محدوده ولایت خود به قاضی دیگری که در ولایت خودش ایستاده، با صدای بلند فریاد بزند که من، در دعوایی که نزد تو اقامه شده، بینه‌ای به این صورت شنیده‌ام، بنا بر یکی از دو وجه منقول از فقهای شافعی، قاضی‌ای که اقامه دعوا نزد وی صورت گرفته، می‌تواند بر مبنای شنیدن این بینه از قاضی ولایت دیگر، حکم صادر کند» (نووی ۱۴۱۲، ۱۱ / ۱۸۷). این مورد می‌تواند مصداقی از شهادت صوتی در بین گذشتگان تلقی گردد. در مورد جواز شهادت با ابزار صوتی اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای از فقها و حقوق‌دانان معاصر معتقدند این ابزار امنیت لازم را ندارد و امکان فریب کاری و تقلید صدا به شیوه‌های مختلف در آن وجود دارد و اثبات جرایم حدود و قصاص با ابزار صوتی امری بعید است و استناد به آن به‌عنوان دلیل مستقل باطل است (عزایره، ۱۹۹۰، ۲۰۷). به‌علاوه، گفته‌اند که صدای انسان ثابت نیست و در شرایط مختلف همچون خستگی، سرماخوردگی و یا صدای زنان در زمان بارداری و بعد از وضع حمل تغییر می‌کند (ابوالحاج، ۲۰۰۵، ۵۱). به تبع، شهادت با این ابزار با چالش

جدی مواجه می شود (العسلی، ۲۰۱۱، ۱۰۷). در مقابل برخی دیگر معتقدند که براساس تحقیقات علمی جدید صدای هر شخص مانند اثر انگشت منحصر به فرد و قابل تشخیص از صدای دیگران است، آن چنان که اثر صوتی در هویت اشخاص، شناسایی صاحبان حساب بانکی و ایمن سازی خزائن بانکی و درب منازل و گوشی های هوشمند به کار گرفته شده است (غامدی، ۲۰۰۵، ۲۸). عطیه عبدالباقی از فقهای معاصر با استناد به نظر جمهور فقها مبنی بر صحت شهادت نابینا در امور شنیداری، شهادت صوتی آنلاین و غیرمستقیم را در کلیه دعاوی حقوقی و کیفری معتبر می داند و معتقد است زمانی که جمهور فقها شهادت نابینا را بدون این که قاضی و مشهود له و مشهود به را ببیند، صحیح می دانند، به طریق اولی باید ادای شهادت به صورت صوتی و بدون حضور در برابر قاضی صحیح باشد (عبدالباقی، ۲۰۱۵، ۱۴۴۴). در مورد ارزش اثباتی شهادت صوتی آنلاین، مجمع فقه اسلامی اعتبار آن را همچون انعقاد عقد بین دو طرف حاضر می داند و در کلیه دعاوی حقوقی و کیفری، حتی حدود و قصاص، معتبر دانسته است (مجله مجمع الفقه اسلامی، ۱۳۵۴، ۹۸۵).

با توجه به آنچه در مورد شهادت صوتی آنلاین بیان شد و نظر به حاجات خاص افراد و نیاز مردم به استفاده از این شیوه شهادت، می توان گفت در صورتی که شرایط لازم آن وجود داشته باشد، قابلیت استناد به آن به عنوان دلیل مستقل در دعاوی حقوقی و دعاوی کیفری غیر از حدود و قصاص وجود دارد و عدم استناد به این گونه شهادت در جرایم، منجر به اجرای حد و قصاص به این خاطر است که به نوعی شبهه تغییر و تحریف به این شیوه شهادت وجود دارد و بر مبنای حدیث «إِدْرؤُوا الْحُدُودَ بِالشَّهَادَاتِ» از استناد به آن در حدود و قصاص خودداری کرده اند. در مورد شهادت های ضبط شده و ارسال آن به دادگاه نیز هر چند در معرض انواع تغییرات قرار دارند؛ اما چنان چه شواهد و مدارک و اسناد دیگری در کنار شهادت ضبط شده وجود داشت و همچنین صحت انتساب آن به شاهد برای قاضی مشخص شد، حداقل می تواند به عنوان یک اماره قضایی یا مزید اطلاعات قاضی از آن بهره گرفت و اگر به طور کلی این شهادت را مردود بدانیم، نیازهای معتبر افراد، نادیده گرفته شده و موجب تضییع حقوق خواهد شد.

۳-۲-۳. شهادت صوتی تصویری آنلاین و از پیش ضبط شده: شهادت صوتی تصویری آنلاین که طرفین دعوی و قاضی و حاضران در جلسه دادگاه می توانند تصویر و حرکات شاهد را ببینند و اظهاراتش را همزمان بشنوند و مورد جرح و سؤال و جواب قرار دهند، در حکم شهادت حضوری بوده و چنین شهادتی حاضر حکمی محسوب می شود که در صورت احراز کلیه شرایط به عنوان مطمئن ترین شیوه

شهادت از راه دور تلقی شده و به عنوان ادله اثبات شرعی و قانونی در کلیه دعاوی حقوقی و کیفری و تجاری مورد استناد قرار می‌گیرد (العسلی، ۲۰۱۱، ۱۰۹، عبدالباقی، ۲۰۱۵، ۱۴۴۵). برخی قضات و فقهای معاصر معتقدند که در شهادت صوتی تصویری ضبط شده، چون نظارتی همچون شهادت آنلاین بر روی حرکات و رفتارهای شاهد وجود ندارد و قاضی از ظاهر و چهره شاهد نمی‌تواند صحت و دروغ یا تحت اجبار بودن اظهارات او را تشخیص دهد و احتمال دخل و تصرف و تغییرات در آن منتفی نیست؛ بنابراین نمی‌توان به آن استناد کرد (موذن زادگان و مولایی، ۱۴۰۰، ۲۴۰)؛ اما در مقابل، برخی فقهای امامیه از جمله «نوری همدانی و صافی گلپایگانی» معتقدند اگر مقام قضایی بتواند به قناعت وجدان دست پیدا کند منعی در استناد به این شیوه شهادت وجود ندارد و از زمره موارد مربوط به علم قاضی است (شعبانی، ۱۳۹۹، ۱۵ و ۱۵۲).

آن‌چنان که بیان شد، طرق ادای شهادت از لحاظ ارزش اثباتی در یک درجه و سطح نیستند. شهادت صوتی تصویری زنده به دلیل این‌که کم‌ترین تحریف و خلل در آن وجود دارد همانند شاهد حاضر حکمی به حساب می‌آید و در صورت احراز همه شرایط شهادت در کلیه دعاوی حقوقی و کیفری به عنوان دلیل مستقل قابلیت استناد و صدور حکم بر مبنای آن وجود دارد و بنابر نظر برخی فقهای مالکی و حنبلی که بینات محصور در نوع خاصی نبوده و با قیاس بر این‌که فقها به خاطر حاجت و نیاز مردم، به‌کارگیری تکنولوژی در اثبات اصل جرم را جایز دانسته‌اند، پس قابلیت استناد به این شیوه به عنوان ادله مثبت دعوا در کلیه دعاوی وجود دارد.

استناد به شهادت از راه دور به طور مطلق جایز نیست و به قدر حاجت و نیاز، برای دادگاه جایز است و در صورت فراهم بودن تمامی شرایط، دادگاه به قوی‌ترین و دقیق‌ترین شیوه شهادت از راه دور که همان شیوه صوتی تصویری زنده است، باید استناد نمایند و در صورت فراهم نبودن شرایط می‌تواند به شیوه‌هایی استناد کند که از درجات و مراتب پایین‌تری برخوردار هستند. باید توجه داشت که حاجت و نیازی که مشهوده به شهادت دارد بیشتر از نیاز متهم نیست، بنابراین اگر حقی به نفع مشهوده بر علیه متهم ثابت شود باید از روش‌های متقن و قابل اطمینان شهادت از راه دور، در صورت فراهم بودن آن برای شهود و دادگاه استناد شود. علاوه بر آن، همان‌طور که ذکر گردید، گاهی عدم حضور شاهد در دادگاه، به خاطر مصلحت بزه‌دیده و جلوگیری از بروز آسیب‌های روانی است و از این جهت شهادت از

راه دور با بهره‌مندی از فناوری‌های جدید به‌عنوان حاجت و نیاز خاص این طیف از بزه‌دیده‌گان لازم است که مدنظر قانون‌گذار و محاکم باشد. یکی از موارد مهم جرم‌شناسی توجه به نیازها و حقوق بزه‌دیده جهت بازتوانی اوست. چنان‌که می‌دانیم حمایت از بزه‌دیدگان بخشی از ارزش‌های جامعه تلقی می‌شود و از این جهت ایجاد منابع قانونی که حقوق‌شان را تضمین کند از اهمیت شایانی برخوردار است (حاتمی، و اسدی، ۱۳۹۸، ۲). بر همین اساس می‌توان گفت که حاجت به‌عنوان منبعی مستقل، ظرفیت تضمین بخشی از حقوق بزه‌دیدگان را دارد. از طرف دیگر دستگاه قضایی زمانی مجاز به استناد به شهادت از راه دور با فناوری‌های روز می‌باشد که خروج از اصل و رجوع به بدل، راهی عقلایی برای دفع حرج و به تبع آن، گشایش و تسهیل در شرایط پیش‌آمده باشد؛ اما این به آن معنا نیست که منحصرأ در صورت وجود ضرورت و عسر و حرج شدید بتوان به شهادت از راه دور با ابزارهای نوین استناد کرد؛ زیرا در این صورت منجر به تضییع حقوق و نادیده گرفتن حاجات معتبر شده که مخالف مقاصد شریعت اسلام است. بنابراین شهادت از راه دور در صورت دارا بودن شرایط عمومی و اختصاصی این نوع شهادت، می‌تواند به‌عنوان ادله اثباتی یا اماره قضایی مورد استناد دادگاه قرار بگیرد.

نکته مهمی که باید به آن توجه داشت این است که ممکن است تصور شود قایل شدن به طریقت در ادله اثبات جرم ممکن است به توسعه ادله اثبات جرم منجر شده و موجب محکومیت افراد بیشتری در محاکم گردد و این هم با اصول کلی حاکم بر حقوق کیفری که برائت را اصل می‌داند، منافات دارد و هم با روح حاکم بر شریعت اسلامی و به‌ویژه قاعده «درء» در تضاد است؛ اما باید توجه داشت که هدف اصلی از قضا، اجرای عدالت و رفع ستم است. بنابراین استفاده از وسایل و طرق مشروعی که بتواند به این خواسته اساسی کمک کنند، جایز خواهد بود. ضمن این‌که صرف وجود تردید در اثبات جرم حتی در مسائل مربوط به حدود، مانع از اجرای مجازات نخواهد بود؛ زیرا حتی در صورت وجود شهود معتبر و یا اقرار باز هم امکان خلاف آن وجود دارد. بنابراین مادام که دلیل اثبات جرم، مشروعیت فقهی یا مقبولیت قانونی داشته باشد، می‌تواند مورد استناد واقع شود. در ما نحن فیه هم این ادله اولاً در راستای تحقق هدف مهم اجرای عدالت هستند. ثانیاً دلایل مقتضی بر مشروعیت فقهی و اعتبار قانونی آنها وجود دارد و ثالثاً تنها در صورتی مورد استفاده قرار می‌گیرند که احتمال صحت و اعتبار آنها نزدیک به یقین باشد.

نتیجه‌گیری

عمده‌ترین نتایج تحقیق بدین قرار است:

۱- اثبات جرم همیشه از طریق اقرار صریح، شهادت اصلی، علم قاضی و سوگند ممکن نیست؛ ادله اثبات محصور در تعداد و انواع خاصی نیستند و شامل هر آنچه که حقی را آشکار کند، می‌شود. بنابراین، حاجت و نیاز عام و خاص افراد اقتضا می‌کند که به شیوه‌های نوین، در اثبات جرایم و احراز هویت مجرم متوسل شد.

۲- رها کردن اصل به‌طور کلی جایز نیست؛ با این حال، شریعت اسلامی در موارد زیادی هنگام حاجت و نیاز، احکام جایگزین را به‌جای احکام اصلی تشریح و مجاز نموده است. از سوی دیگر، با پیشرفت تکنولوژی، شیوه‌های نوینی به‌وجود آمده و زمانی که اثبات جرایم به شیوه‌های معمول امکان‌پذیر نباشد، می‌توان به این شیوه‌های نوین که بدل شیوه‌های معمول محسوب می‌شود، روی آورد.

۳- ادله الکترونیکی و شهادت از راه دور، از جمله شیوه‌های نوین در فرآیند دادرسی هستند و برای اثبات برخی جرائم به‌خصوص جرائمی که در فضای مجازی و با ابزارهایی مانند تلگرام، واتساپ، تلکس، ابزارهای دیجیتالی، مغناطیسی، نوری و الکترومغناطیسی روی می‌دهد، نمی‌توان فقط از ادله سنتی بهره گرفت. قضات گاهی نیاز دارند برای اثبات جرم جهت نیل به حقیقت، به ادله الکترونیکی مانند صوت یا فیلم ضبط شده یا ایمیل و پیامک و شهادت از راه دور استناد کنند و این ابزار، غالباً تنها راه برای شناسایی مجرم و تشخیص نوع و مکان جرم در چنین جرایمی هستند و نادیده گرفتن این حاجات معتبر، موجب سختی و حرج زیاد و اطاله دادرسی‌ها، انباشته شدن پرونده‌های قضایی و تضییع حقوق افراد می‌شود که این امور، مخالف مقاصد شریعت است و بنا بر حاجت و محصور نبودن ادله اثبات دعوی، می‌توان گاهی به‌عنوان دلیل مستقل یا اماره و مزید علم قاضی مستند حکم قرار داد. البته باید زمانی برای اثبات جرایم به این دلایل استناد شود که اطمینان از عدم تحریف در آنها وجود داشته باشد.

۴- حاجت چه منجر به مشقت شود یا جهت تسهیل و گشایش امور مردم باشد، می‌تواند مبنای صدور احکام جزایی قرار گیرد و لزومی ندارد که به مرحله ضرورت برسد. البته هر حاجتی نمی‌تواند مجوزی جهت عدول از اصول و مبانی شریعت باشد و مستند صدور احکام قرار بگیرد؛ بنابراین احکام حاجات و ضابطه‌مند کردن آن خصوصاً در حوزه جزایی امری اجتناب‌ناپذیر است.

پیشنهادها:

۱- با وجود این که ارزش اثباتی ادله الکترونیکی در قانون ایران پذیرفته شده است؛ اما نظام ادله حقوق کیفری در زمینه استنادپذیری و گردآوری این ادله، با چالش‌هایی روبروست که مستلزم ارتقای دانش فنی مقامات تعقیب در جمع‌آوری، مستندسازی و ارائه این ادله به مراجع مربوط است. با توجه به خصوصیت فرامرزی برخی از جرایم رایانه‌ای و ضرورت جمع‌آوری دلیل در بیرون از مرزها، می‌طلبد که همکاری‌های بین‌المللی در این زمینه بیشتر شود و صرف این کاستی‌ها موجب فوت حاجات معتبر مردم نگردد.

۲- نظر به تغییرات و افزودن قابلیت‌های پیشرفته به اپلیکیشن‌ها و ابزارهای الکترونیکی و با توجه به پراکندگی و خلأهای قانونی در ارتباط با ادله الکترونیکی و مشاهده مقاومت‌هایی در برابر پذیرش آنها، اگر حاجت مبنای مستقلى در به‌کارگیری ادله الکترونیکی برای اثبات جرایم باشد، در این صورت نمی‌توان به راحتی ارزش اثباتی این ادله و حاجت و نیاز عمومی مردم به آنرا نادیده گرفت، بلکه دستگاه‌های مربوطه باید با تعامل بیشتری به جمع‌آوری و تنقیح مقررات موجود بپردازند و با تصویب قوانین کارآمد و نیز آموزش‌های لازم و بهره‌گیری از کارشناسان خبره و شناسایی ساز و کارهایی برای اعتباربخشی به این ادله، اقدامات لازم برای بهره‌مندی از تکنولوژی‌های مدرن در دادرسی‌ها ایجاد کنند.

منابع

- ابن فارس، ابوالحسین. (۱۳۹۹ق). معجم مقاییس اللغة. بیروت: دار الفکر.
- ابن فرحون، ابراهیم. (۱۹۹۵م). تبصرة الحکام فى أصول الأفضیة و مناهج الأحکام. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن حزم، علی. (بی تا). المحلى بالآثار. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن رجب، عبدالرحمن. (۱۴۱۳ق). القواعد، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن رشد، ابوالولید. (۱۴۲۵ق). بدایة‌المجتهد و نهایة‌المقتصد. قاهره: دار العقیة.
- ابن قدامه مقدسی، عبدالرحمن. (۱۴۱۴ق). الشرح‌الکبیر. مصر: دار‌الهجر.
- ابن قدامه مقدسی، عبدالرحمن. (بی تا). المعنى. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ابن‌القیم، محمد بن ابی بکر. (بی تا). الطرق‌الحکمیة فى السیاسة‌الشرعیة. الریاض: دار عالم الفوائد.

- ابن نجیم، زین الدین. (۱۴۱۳ق). *الاشباه و النظائر*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- _____ . (بی تا). *البحر الرائق فی شرح کنز الدقائق*. بیروت: دارالکتب الإسلامیة.
- ابوالحاج، زیاد عبدالحمید محمد. (۲۰۰۵م). *دور القران الحدیث فی الاثبات فی الشریعة الاسلامیة*. رسالة ماجستير. الغزه: الجامعة الغزة.
- بهوتی، ابن ادریس. (۱۴۰۲ق). *کشاف القناع عن متن الإقناع*. لبنان: دار الفکر.
- جرجانی، علی بن محمد. (۱۹۸۵م). *کتاب التعريفات*. بیروت: مکتبه لبنان.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۹۲ش). *ترمینولوژی حقوق*، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- _____ . (۱۳۷۵). *دایرةالمعارف حقوق مدنی و تجارت*. تهران: انتشارات مشعل آزادی
- جوینی، امام الحرمین. (۱۴۱۲ق). *البرهان فی أصول الفقه*. مصر: دار الوفاء.
- حاتمی، مهدی و اسدی، امید. (۱۳۹۸ش). مقاله «خاستگاه حقوق بزه دیده در اسلام و ایران در مقایسه با اساسنامه دیوان کیفری بین المللی»، دو فصلنامه *مطالعات تطبیقی فقه و اصول مذاهب*. سال دوم، شماره اول. ۱۲۳-۱۴۶.
- الحایری، السید کاظم. (۱۴۱۵ق). *القضاء فی الفقه الاسلامی*. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- خالد، کوثر احمد. (بی تا). *الاثبات الجنایی بالوسائل العلمیة*. دار التفسیر.
- راغب اصفهانی، حسین. (۱۴۰۴ق). *المفردات فی غریب القرآن*. تهران: نشر کتاب.
- زبیدی، محمد. (بی تا). *تاج العروس*. کویت: بی نا.
- زحیلی، وهبه. (۱۴۱۸ق). *نظریة الضروة الشرعیة مع القانون الوضعی*. بیروت: مؤسسة الرسالة.
- _____ . (۱۴۰۲ق). *وسائل الاثبات فی الشریعة الاسلامیة فی المعاملات المدنیة والاحوال الشخصیة*. دمشق: مکتبه دارالبيان.
- زرقا، احمد. (۱۹۹۸م). *شرح القواعد الفقهیة*. تصحیح: احمد زرقا. دمشق: دار القلم.
- زرقانی، عبدالباقی. (۱۴۲۲ق). *شرح الزرقانی علی مختصر خلیل*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- زرکشی، شمس الدین. (۱۴۱۳ق). *شرح الزرکشی علی مختصر الخرقی*. بی جا: دار العبیکان.
- زیلعی، عثمان. (بی تا). *تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق*. بیروت: دارالکتب الإسلامیة.
- سرخسی، محمد. (۱۴۱۴ق). *المبسوط*. بیروت: دارالکتب العلمیة.

سید مرتضی، علی. (بی تا). *الانتصار فی انفرادات الإمامیه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
سیوطی، جلال الدین. (۱۴۱۵ق). *الاشباه و النظائر فی قواعد و فروع فقه الشافعیة*. بیروت: مؤسسه الکتب
التقافیه.

شاطبی، ابواسحاق. (بی تا). *الموافقات فی اصول الشریعة*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
شبیبر، محمد عثمان. (۱۴۲۸ق). *القواعد الکلیة و الضوابط الشرعیة فی الشریعة الإسلامیة*. عمان: دار
النفايس.

شریف مرتضی، علی. (۱۴۰۵ق). *الرسائل*. قم: دار القرآن الکریم.
شعبانی، جمال الدین. (۱۳۹۹). *جایگاه ادله الکترونیکی در فقه و حقوق ایران*. بی جا: آفتاب گیتی.
شوکانی، محمد. (بی تا). *فتح القدير*. بیروت: دار ابن کثیر.

شهید اول، محمد. (۱۴۱۲ق). *الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
_____ . (۱۴۱۰ق). *اللمعة دمشقیة فی الفقه الامامیه*. بیروت: دار التراث الاسلامیه.

شیرازی، ابراهیم. (بی تا). *المهذب*. بی جا: بی ناز
صانعی، یوسف. (۱۳۸۸ش). *استفتائات قضایی*. قم: پرتو خورشید.
طوسی، محمد. (بی تا). *الخلاف فی الاحکام*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
_____ . (بی تا). *النهاية*. قم: انتشارات قدس محمدی.

عجم، رفیق. (بی تا). *موسوعة مصطلحات اصول الفقه عند المسلمین*. بیروت: مکتبه لبنان.
عزایزه، عدنان حسن. (۱۹۹۰م). *حجیه القرآین فی الشریعة الإسلامیة*. اردن: دار العمار.
عسلی، محمد طلال. (۲۰۱۱م). *احکام اجراء الشهادة بالوسائل الحديثة*. منبع الکترونیکی

<http://yarab.yabesh.ir/yarab/handle/yad/410682>

عطار، حسن. (بی تا). *حاشیة عطار علی شرح الجلال المحلی*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
عطیه، ابراهیم. (۲۰۱۵م). *اداء الشهادة بوسائل الإتصال الحديثة فی منظور الفقه الاسلامی*. *مجلة كلية
الشريعة و القانون بطنطا*. جامعة الأزهر. المجلد ۳۰. العدد ۴.

عظیم زاده، شادی. (۱۳۹۵ش). *حقوق جزای عمومی*. تهران: انتشارات دوران دیشان.
العنزی، فیصل مساعد. (۲۰۰۷م). *اثر الاثبات بوسائل التقنية الحديثة علی حقوق الانسان*. ریاض: جامعة
النايف العربية للعلوم الامنية.

- غامدی، منصور محمد. (۲۰۰۵م). *البيانات الحيوية*. رياض: جامعة نايف العربية للمعلوم الامنية.
- فيروزآبادي، محمد بن يعقوب. (۱۹۹۸م). *القاموس المحيط*. بيروت: الرسالة.
- قانون آيين دادرسي كيفري. ۱۳۹۲ش.
- قانون تجارت الكترونيكي. ۱۳۸۲ش.
- قانون مجازات اسلامي. ۱۳۹۲ش.
- قانون مدني. ۱۳۱۴ش.
- قرارات المجمع الفقهي الإسلامي لرابطة العالم الإسلامي. (۱۴۲۴ق). العدد السابع عشر. *مجلة المجمع الفقه الاسلامي*. المنعقدة في الفترة من: ۱۹-۲۳ / ۱۰ / ۱۴۲۴ق. جده.
- قرطبي، محمد بن احمد. (۲۰۰۶م). *الجامع لأحكام القرآن*. بيروت: الرسالة.
- قلعه جي، محمد. (۱۴۰۸ق). *معجم لغة الفقهاء*. بيروت: دار الفنائس.
- قمي، ابوالقاسم بن محمدحسن. (۱۳۸۷ش). *جامع الشتات*. تهران: دانشگاه تهران،
- كاساني، علاء الدين. (۱۴۱۸ق). *بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع*. بيروت: دار الكتب العلمية.
- قرارات المجمع الفقهي الإسلامي لرابطة العالم الإسلامي. (۱۴۲۴ق). *مجلة مجمع الفقه الاسلامي*. قرار رقم ۵۴/۳/۶، العدد رقم ۶. جده.
- مرغيناني، علي. (بي تا). *الهداية شرح البداية*. بي جا: بي نا.
- _____ . (بي تا). *بداية المبتدي*، قاهرة: محمد علي صبح.
- صحيح مسلم، مسلم بن الحجاج. (۱۴۲۷هـ). *صحيح مسلم*. الرياض: دار طيبة للنشر و التوزيع.
- مفيد، محمد. (۱۴۱۰). *المقنعة*. قم: دفتر انتشارات اسلامي.
- موزن زادگان، علي و مولاييگي، علي. (۱۴۰۰ش). *بررسی حقوقی فقهی شهادت از راه دوربانگاهی به دیدگاه دادگاه کیفری یک استان تهران، فصلنامه علمی دیدگاه های حقوق قضایی*. شماره ۹۴. صص ۲۳۳-۲۴۰.
- نجفی، محمد حسن. (۱۳۷۴ش). *جواهر الكلام*. تهران: دار الکتب الاسلامية.
- نووی، یحیی. (۱۴۱۲ق). *روضه الطالبین و عمدة المفتین*، المکتب الإسلامی. بیروت: دمشق.
- وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامیة الكويت. (۱۴۱۴ق). *الموسوعة الفقهية الكويتية*، مصر: دار الصفوة.

البوی، محمد. (۱۴۱۸ق). مقاصد الشریعة الإسلامیة و علاقتها بالأدلة الشرعیة. بی جا: دار الهجرة.

Chung, C. S., & Byer, D. J. (1998). The Electronic Paper Trail: Evidentiary Obstacles to Discovery and Admission of Electronic Evidence. *BUJ sci. & tech. L.*, 4, 179.

Young, D. o.,. (2017). "Advising the Corporate Client on the Duty to Preserve Electronic Evidence", See at: [http:// www.Fbm.cam](http://www.Fbm.cam).